



رویکردی راهبردی برای حضور فعال تشیع در آینده آفریقا

محمد رضا مرتضوی نیا | ۱۰۱

چکیده

کم و بیش در تمام کشورهای جهان، جمعیت شیعه بومی و غیربومی سکونت دارند؛ ولی متأسفانه در بسیاری از آنها، شیعیان حضور فعالی در اجتماع و سیاست ندارند و به طور کلی، چهره تصمیم ساز و اثرگذار در اجتماع نیستند؛ بلکه به عکس، کاملاً منفعل و در جوامع بسته زیست می کنند. این مسئله در آفریقا، شدت بیشتری دارد. یکی از علل آن، استعمار بلندمدت و دهشتناک دهه های گذشته است. یکی از پیش نیازهای تصمیم سازی و اثرگذاری در جامعه، داشتن تحصیلات عالی و دید عمیق نسبت به مسائل می باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای اسلامی و تشیع، باید با تغییر در سیاست های خود در جذب دانشجوی خارجی، نسبت به این مسئله نگاهی پدرا نه داشته و با برنامه ریزی دقیق و استراتژیک، دانشجویان متعهد، مؤمن و دانشمند را تربیت کند. این نه تنها به شأنیت بخشی و فعال سازی ظرفیت شیعیان در کشورهای مختلف کمک خواهد کرد، بلکه برای منافع بلندمدت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز به شدت مثبت و پرفایده خواهد بود.

واژگان کلیدی: آفریقا، شرق آفریقا، تحصیلات تکمیلی، دانشجوی شیعه، اثرگذاری سیاسی اجتماعی، راهبرد حضور



مقدمه

آفریقا نقطه‌ای استراتژیک و تأثیرگذار در آینده جهان است. این ادعایی است که شواهد زیادی بر آن وجود دارد. جوانی جمعیت آفریقا، وجود منابع معدنی و خدادادی فراوان در این قاره که موجب طمع کشورهای استعمارگر گذشته و به اصطلاح متمدن امروز شده است، از جمله شواهد این ادعا هستند. براساس آخرین آمار در سال ۲۰۲۱ م. بیش از ۲۰۷ میلیون نفر از جمعیت آفریقا، بین ۰ تا ۴ سال و حدود ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت آن قاره بین ۴ تا ۱۷ سال سن داشتند؛ این یعنی حدود ۴۰ درصد جمعیت این قاره. در مقابل، تنها ۴۸ میلیون نفر از جمعیت آفریقا، بالای ۶۵ سال سن داشتند.^۱ این در حالی است که تنها ۱۶.۳٪ جمعیت اروپا بین ۱۵ تا ۲۹ سال سن دارند^۲ و این از پیری نگران‌کننده جمعیت در اروپا حکایت دارد.

جوانی جمعیت یک کشور، یعنی لزوم رسیدگی به نیازهای نسل جوان که بی‌تردید یکی از این نیازها، آموزش و پرورش است. این مسئله از یک سو و از سوی دیگر، باتوجه به پایان عصر استعمار سخت^۳ و عدم امکان حضور و دخالت آشکار در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات کلان ملت‌ها، آموزش و پرورش که زیرساخت کنترل آینده یک ملت است، اهمیت بیشتری می‌یابد.

اگرچه تعداد بالای شیعیان خبر خوشی است، ولی آنچه آزردهنده می‌باشد، شیعیانی هستند که بیشتر به خاطر عدم برخورداری از امکانات، تحصیلات عالی نداشته و در نتیجه در جامعه منفعل و تأثیرپذیرند و امکان تأثیرگذاری بر آینده ملت خود را ندارند. در صورتی می‌توان به تأثیرگذاری در آینده یک ملت امیدوار شد که نسلی فرهیخته تربیت و در سطوح مختلف مدیریتی خرد و کلان وارد شوند.

۱. آموزش عالی کلید ورود به دروازه آینده آفریقا

بی‌تردید آموزش و پرورش نقشی حیاتی در ساماندهی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک

۱. <https://www.statista.com/statistics/1226211/population-of-africa-by-age-group/>

۲. <https://ec.europa.eu/eurostat/web/products-eurostat-news/-/ddn-20221104-1>

۳. استعمار نرم توسط استعمارگران دیروز همچنان ادامه دارد و آنها در حال غارت اموال و منابع کشورهای جهان سوم و به خصوص آفریقایی هستند.



کشور دارد؛ زیرا دانش‌آموزان امروز سیاست‌گذاران و کارگزاران فردا و آینده هر کشور هستند. برای تغییر آینده هر ملتی، باید زیرساخت آموزش و پرورش تغییر یابد. به طور کلی تغییر این زیرساخت، در دو ساحت قابل تصور است:

الف) سطوح زیرین که از پیش دبستان آغاز و تا دبیرستان ادامه می‌یابد؛

ب) سطوح فوقانی که همان آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی است.

متأسفانه استعمارگران مدرن از دهه‌ها قبل و آنگاه که خود به صورت فیزیکی و سخت مشغول استعمارگری بودند، برای این دوره برنامه‌ریزی کرده و سیستم آموزش و پرورش جدیدی برای کشورهای استعمارشده خود تدوین کردند.

امروزه در بسیاری از کشورهای آفریقایی دو سیستم آموزش فعال وجود دارد:

۱. سیستم آموزشی دولتی؛ تمامی مدارس دولتی و نیز برخی مدارس غیرانتفاعی از آن پیروی می‌کنند و میراث دوران استعمار هستند که متأسفانه مبتنی بر حفظ است و نه فهم. در این سیستم نه دانش‌آموزان و نه حتی معلمان قدرت خرید کتاب را ندارند. تمام تلاش معلمان، آماده‌سازی محتوا و تمام دغدغه دانش‌آموزان، نسخه‌برداری از محتوای تهیه‌شده توسط معلم است. در این سیستم، دانش‌آموز فرصتی برای فهم مطالب پیدا نمی‌کند و باید فقط بر حفظ آن متمرکز شود. در این سیستم قدرت فکر و تحلیل از دانش‌آموز گرفته و او مطیع و فرمان‌بردار تربیت می‌شود. دقیقاً همان چیزی که استعمار در پی آن بوده است.

۲. سیستم آموزش وارداتی آکسفورد، کمبریج و...؛ برخی از مدارس غیرانتفاعی با پذیرش سیستم آکسفورد، کمبریج و یا دیگر سیستم‌های آموزشی وارداتی، در واقع از مدارس تابعه این سیستم آموزشی قرار می‌گیرند. در این سیستم، محتوای آموزشی مورد تأیید آکسفورد و کمبریج است و حتی تقویم آموزشی و امتحانی این مدارس نیز از این سیستم پیروی می‌کند. مدرسی که تابع سیستم آکسفورد یا کمبریج هستند، غالباً شهریه‌های بالایی دارند که بیشتر مردم توان پرداخت آن را ندارند. بنابراین، این مدارس ویژه قشر متمول و نسبتاً مرفه هستند.

سطوح زیرین، بستری است که باید در بوم نسبت به آن برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کرد. اما سطوح فوقانی، بستری است که به دلیل نیاز به زیرساخت‌های متعدد و نیز عمق‌یابی تحصیلات، امکان اجرا و برنامه‌ریزی آن در بوم وجود ندارد و یا به شدت مشکل است.



بنابراین، بسیاری از کشورهایی که رویکرد استراتژیک و بلندمدت نسبت به آفریقا دارند، برای این سطح سرمایه‌گذاری کرده و در نتیجه، چاره‌ای جز پذیرش دانشجو از بوم در کشور مقصد ندارند.

جمهوری اسلامی ایران لااقل در این برهه، امکان ورود در سطوح زیرین را ندارد؛ زیرا این سطح هم هزینه بالایی را به کشور تحمیل می‌کند و هم بازدهی پایینی دارد. از سوی دیگر، پایه‌ریزی سیستم آموزشی مستقل، زمان زیادی را به خاطر فرایندهای طولانی بروکراتیک، به خود اختصاص می‌دهد. همچنین اگر متمایل به پذیرش و اجرای سیستم‌های آموزشی موجود باشد که دستاوردی برای کشور نخواهد داشت؛ چراکه در هر صورت بازی در زمینی است که بازیگردان آن جمهوری اسلامی نیست.

سطوح فوقانی، یعنی آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، بستری است که ورود به آن ممکن و در دسترس است. در سال‌های اخیر، دانشگاه‌های کشور - به جهات مختلف که عمدتاً در مقاصد مالی و اقتصادی خلاصه می‌شود - به سمت پذیرش دانشجو از کشورهای دیگر سوق پیدا کرده‌اند. رویکرد مالی و اقتصادی، اگرچه منفی نیست، کامل و استراتژیک هم نیست. همچنین محدود نمودن گزینه جذب دانشجو به چند کشور محدود همسایه همچون عراق، سوریه، افغانستان و هندوستان نیز از نداشتن نگاه استراتژیک در این زمینه حکایت دارد.

آمار تعداد دانشجویان خارجی از دیگر کشورها و به خصوص از کشورهای آفریقایی در ایران و ترکیه، حاوی این پیام است که تاکنون برنامه منسجمی برای جذب دانشجو از کشورهای آفریقایی وجود نداشته است. براساس اعلام منابع رسمی، تعداد دانشجویان آفریقایی در دانشگاه‌های کشور حدود ۲۹۰ نفر است؛ در حالی که در کشور ترکیه، این آمار به حدود ۶۰ هزار نفر می‌رسد. این آمار در کنار تلاش رژیم صهیونیستی برای جذب دانشجوی آفریقایی در رشته‌هایی همچون کشاورزی، معدن و... و خامت اوضاع را نشان می‌دهد. این رژیم اخیراً طی فراخوانی اعلام کرده است که درصدد جذب ۱۵ هزار دانشجو از کشورهای آفریقایی در رشته‌های مذکور است. این جذب نه برای اغراض اقتصادی، بلکه با هدف حضور فعال و تأثیرگذار در آینده آفریقا است.



۲. چالش‌ها، فرصت‌ها و بایدها

در دو سه سال اخیر، رویکرد مثبتی در سازمان امور دانشجویی اتخاذ شده و تلاش‌هایی برای جذب دانشجویان از کشورهای آفریقایی صورت پذیرفته و به‌طور کلی، امکانات خوبی برای دانشجویان خارجی فراهم آمده است؛ اگرچه هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب، راه طولانی‌ای وجود دارد.

۲-۱. چالش‌ها و موانع

از جمله موانع و چالش‌هایی که در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌ها در مسیر جذب دانشجویان از کشورهای آفریقایی وجود دارد، عبارتند از:

- تعدد رقبای قوی همچون چین، ترکیه و حتی رژیم صهیونیستی با برنامه‌ها و طرح‌های بورسیه بعضاً جذاب‌تر برای جذب دانشجویان، همچون پذیرش دانشجویان در کشور مبدأ توسط دانشگاه‌های برتر، مدت و فرایند کوتاه جذب، ثبت‌نام و اعزام، پرداخت تمام هزینه‌ها اعم از بلیط، ویزا، اقامت، تحصیل، غذا و... و روشن و واضح بودن تمام مراحل جذب و پذیرش از ابتدا تا انتها برای دانشجویان.
- قدمت بیشتر فعالیت رقبای در آفریقا و شناخته‌تر بودن دانشگاه‌های رقیب؛
- پشتیبانی دولتی و انجام هزینه‌های نسبتاً بالای تبلیغاتی برای دانشگاه‌های رقیب توسط دولت‌ها با توجه به اهداف خاصی که آنها در پی‌اند؛
- تبلیغات سوء و بعضاً سنگ‌اندازی برخی کشورهای غربی و نیز رژیم صهیونیستی در محدود کردن روابط کشورهای آفریقایی با جمهوری اسلامی ایران؛
- وجود فقر در آفریقا و عدم توانایی بسیاری از دانشجویان در فراهم آوردن هزینه‌های تحصیل و سفر به ایران؛
- وجود برخی احساسات نژادپرستانه در ایران و در اذهان مردم نسبت به مردمان رنگین‌پوست (اگرچه این احساسات امروزه در سایه روشنگری‌های صورت گرفته تا حد زیادی کنترل شده است)؛
- تفاوت سیستم آموزشی در کشورهای آفریقایی با سیستم آموزشی جمهوری اسلامی ایران.



۲-۲. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

علی‌رغم وجود موانع و چالش‌ها، دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی دارد که تحصیل دانشجویان در این دانشگاه‌ها را مغتنم نموده و ترغیب‌کننده ایشان برای سفر به ایران است. از جمله فرصت‌ها و ظرفیت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. موقعیت علمی قابل قبول و در برخی رشته‌ها خیلی خوب دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران؛

۲. هزینه زندگی و تحصیل نسبتاً ارزان در ایران؛

۳. اسلامی بودن کشور ایران که جذابیت زیادی برای دانشجویان مسلمان به خصوص دانشجویان شیعه خواهد داشت؛

۴. امکان فراگیری زبان فارسی که برای بسیاری از دانشجویان اهمیت بالایی دارد (به خاطر دستیابی به منابع وسیعی که تنها به زبان فارسی است و نیز چون امروزه این زبان یکی از زبان‌های جهان اسلام شناخته می‌شود)؛

۵. امکان بهره‌مندی از دوره‌های بصیرت‌افزایی عقیدتی و سیاسی علاوه بر بهره‌مندی از تحصیل در مقاطع و رشته‌های مختلف دانشگاهی؛

۶. فضای باز تبلیغاتی برای جذب و اعزام دانشجو در بسیاری از کشورهای آفریقایی؛

۷. وجود تعداد قابل توجه شیعیان جوان خوجه اثناعشری در کشورهای آفریقایی (به خصوص شرق آفریقا) که بیشتر برای تحصیلات تکمیلی، تمایل برای سفر به دیگر کشورها را دارند؛

۸. وجود مؤسسه‌ها، مراکز و افراد مسلمان / شیعه متمول با امکان پشتیبانی مالی از دانشجویان اعزامی؛

۹. وجود رایزنی‌های فرهنگی و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از کشورهای آفریقایی که امکان تسهیل در امر تبلیغ و جذب دانشجو را دارند؛

۱۰. وجود مؤسسه‌ها و افراد بانفوذ در سطح آفریقا که به اعزام دانشجو به دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران علاقه مند هستند؛

۱۱. وجود مفاسدی در غرب و دانشگاه‌های کشورهای غربی که رغبت را از دانشجوی مسلمان و شیعه برای سفر به این کشور برای تحصیل کم فروغ می‌کند.



۲-۳. بایدها و بایسته‌ها

بی‌تردید برای دستیابی به این هدف و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به یکی از قطب‌های تربیت دانشجو، باید مقدماتی فراهم و در چهار حوزه نظام جذب، ثبت نام، برنامه‌ریزی آموزشی و نیز فوق برنامه‌ها تغییرهایی ایجاد شود. در زمینه نظام جذب، باید با استفاده از ظرفیت‌های بومی و آشنای به بوم، تمام تلاش در جهت خالص‌سازی و تصفیه دانشجویان پیش از جذب صورت پذیرد. خصوصاً در موارد بورسیه کامل. با توجه به اینکه هزینه بورسیه، هزینه بسیار بالایی را به کشور تحمیل می‌کند. در مرحله ثبت نام، شفافیت و کوتاه کردن فرایند آن پس از اطمینان از انتخاب دانشجویان برای پذیرش و همچنین نهایی کردن پذیرش دانشجو در کشورهای مقصد، به جای موکول کردن آن به مراجعه به ایران لازم است. در مرحله برنامه‌ریزی آموزشی، باید فرصت حضور دانشجویان خارجی در ایران مغتنم شمرده شود و علاوه بر پرداختن به دروس اصلی، از برنامه‌های دینی، بصیرتی و فرهنگی نیز استفاده شود تا تغییرهای مثبتی در دانشجو به لحاظ اعتقادی و جهان‌بینی ایجاد شود. علاوه بر این، استفاده از تجربه‌های موفق دیگر مجموعه‌ها همچون «جامعة المصطفی العالمیة» که با دانشجویان و طلاب خارجی در ارتباط بوده‌اند، همچون تجربه ثبت نام و دوره‌های فشرده آموزش زبان فارسی نیز به شدت توصیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از بهترین و سریع‌ین راه‌ها برای نفوذ مثبت و سازنده در آفریقا، بهره‌مندی از ظرفیت تربیت دانشجو است. برای دستیابی به این مهم باید با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم، هدفمند کردن پذیرش، انتخاب رشته و تربیت و تهذیب این دانشجویان، جوانانی دانشمند، متعهد و شیعه را به کشورهای آفریقایی راهی کرد تا با تصدی مناسب و موقعیت‌های خطیر در این کشورها، نه تنها در راستای منافع ملی کشورشان در مقابل استکبار حرکت کنند، بلکه منافع سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که فراهم آورنده این موقعیت و امکانات برای آنان بوده است را در نظر بگیرند.



آشنایی با شیعه پژوهان: طاهره قطب الدین

نعمیه خراسانی | ۱۰۹

چکیده

طاهره قطب الدین پژوهشگر و استاد ادبیات کلاسیک عرب و مطالعات اسلامی دانشگاه شیکاگو از جمله پژوهشگرانی است که در فضای علمی غرب به مطالعه و تحقیق در حوزه معارف و آموزه‌های شیعی با تأکید بر فاطمیان پرداخته است. توجه وی به نهج البلاغه و سخنان امیر مومنان و نگارش آثار متعدد در این باره از جمله علایق پژوهشی وی به شمار می‌آید. اصول تفسیر نمادین فاطمی (تاویل)، عزاداری کربلا در میان شیعیان فاطمی هند، سخنان زینب و ام کلثوم پس از شهادت امام حسین (ع) در کربلا، تقوا و فضیلت در اسلام اولیه، «طیبیان بهره داودی: ایدئولوژی، ادبیات، آموزش و فعالیت اجتماعی» و «خطبه‌های علی بن ابی طالب (ع): در تلاقی آموزه‌های اصلی اسلامی قرآن و سنت، مبتنی بر فطرت فرهنگی قرن هفتم عربستان» از جمله آثار او در حوزه مطالعات شیعه است. او همچنین مقالات متعددی در دایره المعارف اسلام و سایر دایره المعارف‌ها نوشته است.

واژگان کلیدی: طاهره قطب الدین، نهج البلاغه، شیعه، فاطمیان، بهره